

میدون و سوفیا

واردم کن صادرم کن!



👉 **پوریا عالمی**

• سوفیا... عشقم... نامه امروز من به تویک نامه وارداتی – داخلی است.

بین قشنگ من، «رئیس سازمان غذا و داروی ایران برای صادرات دارو و تجهیزات پزشکی به ونزوئلا اعلام آمادگی کرد». به جان میدون دوم، اول یکه خوردم و فکر کردم بابای سوفیا رفته رئیس سازمان غذا و دارو شده، اما نه واقعا، رئیس سازمان غذا و دارو اعلام آمادگی کرده دارو و تجهیزات پزشکی به ونزوئلا صادر کنیم! عیبی هم ندارد. اما الان بین رؤسا اختلاف‌نظر وجود دارد، چون عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، در تابستان امسال گفته بود: «فقط می‌تونیم برای ۵۰ میلیون جمعیت غذا تولید کنیم و باید مابقی نیاز غذایی کشور را وارد کنیم». این جمله یعنی ۳۰ میلیون باقی‌مانده باید چی‌کار کنند؟ بروند توی آفتاب فستونز کنند؟

حالا کشوری که ۳۰ میلیون نفر را نمی‌تواند سیر کند و باید غذا وارد کند، چطوری می‌خواهد غذا صادر کند؟ به قول مادر بزرگ ما غذایی که به شکم خودت رواست، به شکم همسایه حرام است.

البته عیبی هم ندارد. خود ما الان در صنعت تجهیزات پزشکی به خودکفایی رسیده‌ایم و همه چیز پزشکی را خودمان تولید می‌کنیم، به خصوص تشت که می‌دانید تشت کاربردهای زیادی دارد و کنار تخت، زیر تخت، بالای تخت و باقی جاهای تخت بیمار و تخت عمل قرار داده می‌شود. البته تجهیزات پزشکی جز تشت چیزهای دیگری هم دارد که عموما مهم نیست و ما این چیزهای غیرمهم را مثل نخ و سوزن و چاقو و کامپیوتر و روپا و تخت و داروی بیهوشی و غیره و غیره و غیره را وارد می‌کنیم.

خلاصه که سوفیا... قشنگ من... رئیس سازمان غذا و دارو گفته می‌خواهد چیزمیز صادر کند ونزوئلا. رئیس محیط زیست گفته باید چیزمیز وارد کنیم.

اصلا چطور است برای اینکه حالا که رئیس دارو قمیز در کرده، ما خودهایی را که وارد کردیم، صادر کنیم ونزوئلا؟ درواقع ما در مرحله واردم کن صادرم کن هستیم. خودمان چی‌کار کنیم؟ هیچی. همان کاری که تا الان کرده‌ایم: صبر می‌کنیم تا یک روز همه چیز درست شود. به‌هر حال ما توی صبرکردن اوستا شده‌ایم سوفیا.

عاشق صبرکننده تو؛ میدون دوم

شرق روزنامه

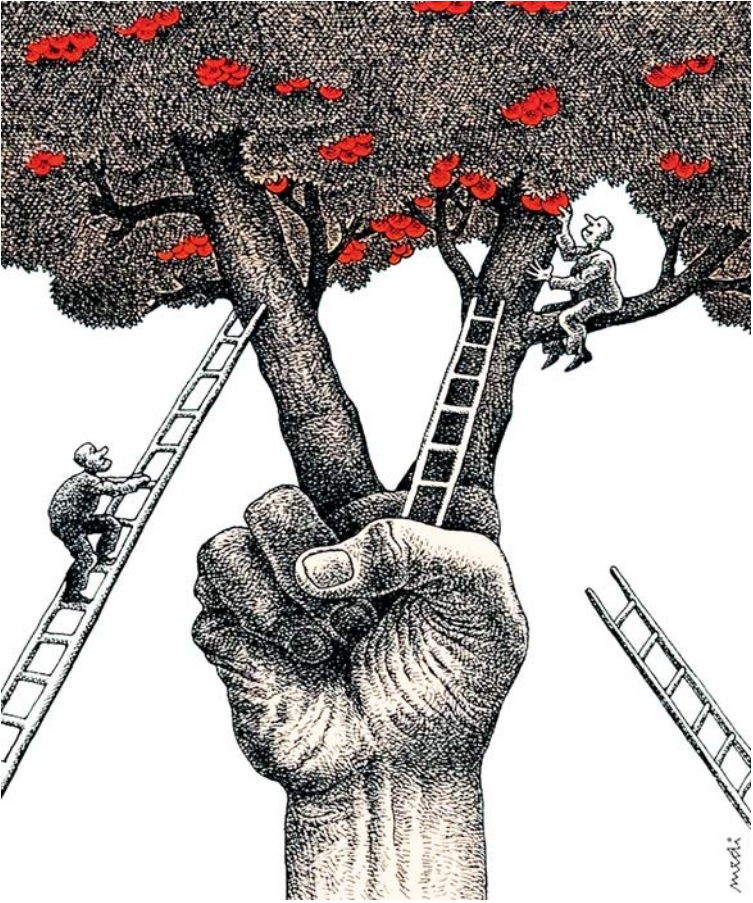
www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۷ • ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ • ۲۵ فوریه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۷۵ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۴ • اذان صبح فردا ۵:۱۵ • طلوع آفتاب ۶:۳۹

روزنفرها

کارتون خواب

مدی بلور تاجا



بابک زمانی

رئیس انجمن سکتة مغزی

می‌گویند سؤال همواره مطلق و جواب همواره نسبی است. همین‌طور می‌توان گفت نیاز و عطش همواره اصالت دارد، اما بی‌نیازی و سیرابی خیر. وزیران و مسئولان هم که نماد یا متولی پاسخ‌ها هستند، می‌آیند و می‌روند، اما درخواست‌ها و درخواست‌کنندگان می‌مانند و می‌مانند.

یازدهمین کنگره ملی سکتة مغزی (اول تا سوم اسفندماه جاری) در زمانی برگزار شد که جواب و متولی جواب یعنی وزیر و وزارت در حال تغییر و تحول هستند، اما سؤال و استدعا، درخواست عمومی برای ارتقای درمان سکتة مغزی، همچنان پابرجاست. درمان سکتة مغزی از ابتدا تا انتها نه‌تنها به معنای ارتقای کیفیت سلامت در کشور و همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌های کشوری سلامت است، بلکه مهم‌تر از همه اینها به معنای کارایی سیستم‌های اجتماعی خدمات سلامت هم هست و تلاش در دستیابی به این کیفیات

یادبود

«یدالله ثمره»؛ بزرگ بود غریب رفت

یدالله ثمره چه کاری باید می‌کرد که نکرد؟ مگر او اولین رئیس انجمن زبان‌شناسی ایران نبود؟ مگر او یکی از برجسته‌ترین و دغدغه‌مندترین استادان زبان‌شناسی ایران نبود؟ مگر او نبود که شاهکار «آواشناسی

زبان فارسی» را پس از سال‌ها پژوهش و مذاقه به قلم خودش منتشر کرد و تا سال‌ها منبعی معتبر و معتظم را برای علاقه‌مندان به بحث‌های زبانی و آوایی زبان فارسی فراهم آورد؟ مگر او نبود که سال‌های‌سال در حوزه آموزش زبان فارسی کوشش بسیار کرد و گنجینه‌ای ارزشمند برای ما به یادگار گذاشت؟ پس چه شد که او این‌همه غریب رفت؟ مرگ او تنها خبری چندخطی شد در چند وب‌سایت خبری و تصام. روزنامه‌ها، حتی آنتهائی که معمولا قدر بزرگان را می‌شناسند هم بی‌تفاوت از کنار مرگ این استاد بی‌بدیل گذشتند و همه‌چیز را به سکوت برگزار کردند. انتظار زیادی نبود که سهمی هرچند کوچک در صفحه اول روزنامه‌ها از آن او شود. این که نشد هیچ، حتی در لابه‌لای صفحات روزنامه‌ها هم خبر و تفسیری از درگذشتش نبود. نه کسی درباره او «گزارش از شخص» نوشت و نه یادداشت خاصی به پادش منتشر شد و این‌گونه شد که یکی از غریبانه‌ترین مرگ‌های بزرگان فرهنگ و ادب ایران به نام یدالله ثمره گره خورد. پیش از این یک‌بار هم مراسم تشییع پیکر بهمن فرانۀ بود که تنگی ادبی را برای اهالی فرهنگ به دنبال آورد و مراسمی که باید با حضور جمعیت زیادی از اهالی فرهنگ برگزار می‌شد، تنها با شرکت چند نفر برگزار شد.

اما یدالله ثمره که بود و چه کرد؟ یدالله ثمره از معدود استادان و زبان‌شناسانی بود که این فرصت را یافت که آثارش نه‌تنها در داخل که در خارج از مرزهای ایران هم اقبالی جهانی یابد. تنها کتاب «راهنمای تدریس زبان فارسی» به قلم او تا به امروز به زبان‌های آلمانی، هندی، فرانسوی، روسی، اسپانیایی و ترکی استانبولی ترجمه شده است و کتاب دیگر او؛ یعنی دوره پنج‌جلدی آموزش زبان فارسی تاکنون به ۱۶ زبان دنیا ترجمه شده است. مهم‌تر از این دو کتاب، کتاب راهنمای زبان فارسی اوست که اساسا برای دانشگاه‌های قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان نوشته شده و از سال ۱۳۷۴ تا به امروز در دانشگاه‌های این سه کشور تدریس می‌شود.

یکی از وجوه مهم آثار او که تدریس و ترجمه آنها در کشورهای جهان را مهم می‌کند، بحث نفوذ و عمق تأثیرگذاری زبان فارسی در روزگاری است که خیلی‌ها کمر به تضعیف یا حذف آن بسته‌اند و آثاری این‌گونه‌اند که می‌توانند با قوت و قدرت در مقابل مخالفان و منتقدان زبان‌شناس و غیرزبان‌شناس زبان فارسی و گسترش آن بایستند و از یک‌یان یک زبان مهم پاسداری کنند. از همین‌رو هم هست که باید گفت اگر نبود آثار مهم یدالله ثمره، معلوم نیست امروز چه چیزی می‌خواست به‌جای این آثار در دانشگاه‌ها و مراکز معتبر علمی زبان‌شناسی حضور داشته و تدریس شود. یک معنای دیگر این سخن هم آن است که این آثار آن‌قدر دقیق و مهم بود که راه خود را به مراکز علمی معتبر زبان‌شناسی باز کرد و بارها ترجمه و تدریس شد.

یدالله ثمره متولد ۱۳۱۱ در شهر گرمان بود و تا زمان مرگ؛ یعنی سوم اسفند ۱۳۹۷، چیزی در حدود ۸۶ سال عمر کرده؛ عمری ثمربخش برای خود، «ایران کلباسی»، همسر زبان‌شناسش، دانشجویان و علاقه‌مندان به زبان و ادبیات فارسی و هر آن کس که دل در گرو وطن دارد. یادش تا همیشه با ما...

اتفاق

کودکان زیر سایه جنگ

امسال ۳۴ میلیون کودک در سراسر جهان در معرض مناقشات و نیازمند حمایت هستند. یونسف ایران اینفوگرافی‌ای از این کودکان منتشر کرده است. چهار کشور یمن، سودان جنوبی، سوریه و جمهوری دموکراتیک کنگو بیشترین کودکان نیازمند حمایت را دارند. شش میلیون و ۶۰۰ هزار کودک یمنی زیر آتش جنگ زندگی می‌کنند و پنج میلیون و ۵۰۰ هزار کودک سوری نیز شرایط مناقشه‌ای را تحمل می‌کنند. چهار میلیون کودک در جمهوری دموکراتیک کنگو و ۳۰۷ میلیون کودک سودانی نیز نیازمند حمایت هستند. در سال ۲۰۱۹ قرار است ۳۰۹ میلیارد کمک از سراسر جهان توسط یونسف به ۴۱ میلیون کودک شود. این کمک‌ها از سوی ۵۹ کشور جهان به یونسف خواهد شد. جنگ در جهان هر روز رو به گسترش است و درعین‌حال بسیاری از کودکان اولین گروه آسیب‌پذیر هستند. تلاش‌های نهادهای مدنی برای بهبود وضعیت کودکان در سراسر جهان ادامه دارد و هر روز به شکلی دنبال می‌شود. بسیاری از رسانه‌ها در این مدت سعی کرده‌اند تا توجه سیاست‌مداران را به مسائل کودکان جلب کنند؛ مثلا روزنامه نیویورکتایمز در روزهای گذشته عکس یک خود را به نقاشی کودکی یمنی از جنگ اختصاص داده است، اما به نظر می‌رسد سیاست‌مداران چندان علاقه‌ای به پایان جنگ‌ها ندارند و اهداف اقتصادی خود را بیشتر دنبال می‌کنند.

آکادمی

کنگره سکتة مغزی و درخواست عمومی

عمومی، بیش از اینهاست:

۱- درک مسئولیت اجتماع و دولت در نگهداری از بیماران ناتوان به‌ویژه قربانیان سکتة مغزی که تعداد قابل توجهی را تشکیل می‌دهند.

۲- تهیه همه ملزومات زندگی ایشان و تدارک مراکزی برای نگهداری اینها و پیش از آن مراکزی برای توان‌بخشی ایشان، بخش مهمی از این فرهنگ اجتماعی را تشکیل می‌دهد. به اینها مسئولیت اجتماع را در کاهش عوامل خطر سکتة مغزی با تمهیدات فرهنگی و اجتماعی اضافه کنید؛ مثل کاهش مصرف قلیان و دخانیات، کنترل نمک در محصولات غذایی کارخانه‌ای و افزایش فعالیت فیزیکی شهروندان، همه و همه مسائل بسیار مهمی هستند که ما هنوز به پیرامون آنها هم نزدیک نشده‌ایم. کنگره یازدهم ما قطعا یک گام به پیش و آینه‌ای برای اقدامات انجام‌شده بود، اما افقی که هر لحظه دورتر می‌رود، همه ما را مجبور می‌کند گام‌هایی بیشتر و سریع‌تر برداریم تا هم بیماران درمان بهتری دریافت کنند و هم همان‌طور که گفته شد، مشارکت اجتماعی و قدم‌برداشتن در مصالح اجتماعی را بیش‌ازپیش تجربه کنیم.

روایت

برای جدایی هنر از سیاست اصرار داشته باشیم

نشریه نشنال جنوگرافیک به مناسبت اینکه فالورهای صفحه‌اش در اینستاگرام به صد میلیون رسید، تصمیم گرفته است مسافه بین‌المللی عکاسی برگزار کند؛ اما نکته این دوره از مسابقات، منع شرکت برای عکاسان چند کشور از جمله ایران است.

اینکه این نشریه بین‌المللی که ادعای حرفه‌ای بودن و استقلال را نیز دارد، برای گروهی از عکاسان جهان محدودیت ایجاد کند، نشانی می‌دهد که در آمریکا هم مرزهای هنر چندان از سیاست دور نمانده و یک رسانه هنری نیز می‌تواند با نگاه سیاست‌مداران، هنرمندان را ببیند و عجیب اینکه ایران هم جزء کشورهای منع‌شده است؛ درحالی‌که در جنگ و ناآرامی نیست و عکاسان و هنرمندان بسیاری در سراسر جهان دارد.

نشال‌جنوگرافیک را به عنوان نشریه‌ای حرفه‌ای می‌شناسیم که به طبیعت و بناهای تاریخی علاقه‌مند است و بسیار تلاش می‌کند که با حرفه‌ای‌ترین عکاسان جهان کار کند، نشریه‌ای زیبا و خوش‌ظاهر که تاکنون هیچ‌وقت مخاطبانش فکر نمی‌کردند رویکرد سیاسی داشته باشد، اما این دوره از مسابقات مشخص کرد که در هدایت این نشریه بیشتر از اینکه دیدگاه هنری وجود داشته باشد، رویکرد و منش سیاسی وجود دارد.

این نشریه برای دوره جدید مسابقه عکاسی کشورهای کوبا، کره‌شمالی، سودان، سوریه و ایران را تحریم کرد؛ نگاهی به کشورهای منع‌شده نشان می‌دهد که چه منش و سیاستی بر فضای این نشریه حاکم شده است. ظاهرا مدیران این رسانه هنری آمریکایی فراموش کردند که تعدادی از عکاسان حرفه‌ای که در مجموعه هنرمندان خود دارند، ایرانی هستند و اینکه چند میلیون هنرمند و هنردوست ایرانی جزء فالورهای صفحه این نشریه در اینستاگرام هستند که به‌تازگی به صد میلیون رسیده و همچنین فراموش کرده‌اند که ایران یکی از غنی‌ترین آثار باستانی و زیباترین طبیعت‌ها را دارد. سابقه تحریم عکاسان ایرانی به سال‌های پیش‌تر برمی‌گردد؛ زمان ریاست جمهوری اوباما، عکاسانی از ایران برنده جایزه مسابقات عکاسی این نشریه شدند اما به‌دلیل وجود تحریم‌های مالی آمریکا، اهدای جایزه به برندگان ایرانی با مشکل روبه‌رو شد و در سال ۲۰۱۲ عکاسان ایرانی برای شرکت در این دوره مسابقات تحریم شدند.

دلیلی که اکنون این نشریه برای منع شرکت عکاسان این کشورها اعلام کرده، امکان‌پذیرنبودن انتقال وجه جایزه، در صورت برنده‌شدن این شرکت‌کنندگان است؛ اما نکته اینجاست که جایزه این دوره از مسابقات سفر به تانزانیا است و همه می‌دانیم که سفر به تانزانیا هم ربطی به تحریم‌های اقتصادی ندارد و برای همه آزاد است.

تصمیم مدیران این نشریه برای ایجاد دوباره این محدودیت‌ها، پیامی ناخوشایند برای هنرمندان و هنردوستان جهان دارد. هم‌صداشن یک نشریه هنری با سیاست‌مداران آمریکا، حس بدی به مخاطب منتقل می‌کند و سایه سنگین سیاست بر هنر را نشان می‌دهد.

به تعبیر من این اقدام توهین آشکار به هنرمندان و به‌ویژه عکاسان ایرانی و همچنین ایستادن جلوی هنر آزاد است؛ اما فقط کافی است که یک لحظه تصور کنیم این اقدام از سوی ایران برای کشوری دیگر صورت می‌گرفت؛ چه باینه‌ها و واکنش‌هایی که به همراه نداشت.

عجیب‌تر اینجاست که دولت‌مردان آمریکایی تاکید می‌کنند که مردم ایران را تحریم نمی‌کنند و تحریم‌ها فقط در عرصه سیاسی و برای اشخاصی خاص است اما رفتار آنها عکس این ادعا را نشان می‌دهد.

آنچه اکنون مهم است، منفعل‌نبودن در برابر این تصمیم است؛ پیشنهاد می‌کنم ما هم این نشریه را تحریم کنیم و دنبال‌کننده صفحه این نشریه در شبکه‌های اجتماعی نباشیم. من به عنوان یک عکاس فکر می‌کنم خیلی برایم اهمیتی ندارد که نشنال‌جنوگرافیک در صفحه‌ام باشد و به همین علت چند روز پیش از صفحه این نشریه در اینستاگرام بیرون آمدم و فکر می‌کنم اگر تمام ایرانی‌ها از صفحه نشنال‌جنوگرافیک بیرون بیایند، رکورد صد میلیون دنبال‌کننده از بین می‌رود و احتمالا مدیران این رسانه درمی‌یابند که بدون مخاطبان ایرانی نمی‌توانند صد میلیون فالور داشته باشند و شاید حتی روی فستوال آینده که به مناسبت این تعداد دنبال‌کننده در اینستاگرام است، تأثیر بگذارد.

اینکه این نشریه حتی برای مخاطبان فارسی‌زبان رسانه‌ای جدا داشت، نکته بسیار جالبی است و نشان از اهمیت این رسانه هنری برای ایرانیان دارد، اما الان باید از خانم یا آقای که مسئول نشنال‌جنوگرافیک ایرانی است، پرسید که با توجه به اینکه پایه و اساس این نشریه عکاسی است و درحال‌حاضر با تحریم هنرمندان ایرانی، شما چه نسبتی با این رسانه دارید؟ آیا یک رسانه فیک هستید؟ و آیا فکر نمی‌کنید باید تا زمانی که این رسانه به هنرمندان کشورتان احترام نگذاشته است، فعالیت برای آن را کنار بگذارید؟

اکنون به نظر من بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم که تأکید کنیم هنر باید از سیاست جدا باشد یا دنبال‌کردن صفحه این نشریه، اتحاد بین خودمان را نشان دهیم و تلاش کنیم این پیام را برسانیم که هنر باید آزاد و به دور از سیاست‌بازی‌ها باشد.